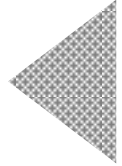


## تأثیر اقدامات اصل چهارم ترومن بر برنامه‌های اول و دوم عمرانی ایران



نبی امیدی<sup>۱</sup>

ایوب منتی<sup>۲</sup>

(تاریخ دریافت ۱۴۰۴/۳/۱۰ - تاریخ تصویب ۱۴۰۴/۷/۱۵)

نوع مقاله: علمی پژوهشی

### چکیده

در بستر رقابت‌های دوران جنگ سرد و تلاش ایران برای نوسازی از طریق برنامه‌ریزی متمرکز، این پژوهش به تحلیل کیفی تأثیرات متقابل «برنامه اصل چهارم ترومن» بر «برنامه‌های اول و دوم عمرانی ایران» می‌پردازد. هدف اصلی، واکاوی عمق و ماهیت این تأثیرات با فراتر رفتن از گزارش‌های توصیفی و تمرکز بر سازوکارهای نهادی و فکری است. این تحقیق با اتکا به روش تاریخی-اسنادی و رویکردی هرمنوتیکی برای تفسیر اسناد آرشیوی و گزارش‌های سازمان برنامه، به این نتیجه دست می‌یابد که مداخلات اصل چهارم در دو سطح مجزا قابل تفکیک است: سطح «سخت‌افزاری» که شامل پروژه‌های ملموس اما محدود و سطح «نرم‌افزاری» که از

<sup>۱</sup> - دانشیار مدیریت، دانشکده مدیریت، اقتصاد و حسابداری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

[nabiomidi@pnu.ac.ir](mailto:nabiomidi@pnu.ac.ir)

<sup>۲</sup> - استادیار مطالعات منطقه‌ای، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ایلام، ایران.

## == تاثیر اقدامات اصل چهارم ترومن بر برنامه های اول و دوم عمرانی ایران..... ۳۲۱

طریق اعزام مدیران به خارج و استقرار مشاوران غربی، به نهادینه سازی الگوهای مدیریتی و تکنوکراتیک غربی در ساختار برنامه ریزی کشور انجامید. اگرچه کمک های اصل چهارم از نظر حجم مالی محدود بود، اما از طریق انتقال دانش فنی، آموزش نیروی انسانی و تقویت نهادهای برنامه ریزی، نقش تسهیل گری مهمی در اجرای برنامه اول و دوم عمرانی ایفا نمود. به ویژه، همکاری مشاوران آمریکایی در حوزه های کشاورزی، بهداشت و آموزش، برخی از پروژه های برنامه اول را عملیاتی ساخت. تحلیل نهایی بیانگر آن است که میراث پایدارتر و تعیین کننده تر اصل چهارم نه پروژه های زیرساختی آن، بلکه موفقیت در شکل دهی به یک ذهنیت مدیریتی و ساختار بوروکراتیک بود که مسیر توسعه ایران را در دهه های بعد عمیقاً تحت تأثیر قرار داد.

**واژگان کلیدی:** اصل چهارم ترومن، برنامه های توسعه عمرانی ایران، نظریه نوسازی، نظریه وابستگی.

### ۱. مقدمه

پس از جنگ جهانی دوم، جهان شاهد شکل گیری نظم جدیدی بود که در آن دو ابرقدرت ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی در رقابتی تنگاتنگ برای گسترش نفوذ خود در مناطق مختلف جهان قرار گرفتند. در این میان، کشورهای در حال توسعه به عرصه ای مهم برای این رقابت تبدیل شدند. هری ترومن، رئیس جمهور آمریکا، در سال ۱۹۴۹ با اعلام اصولی چهارگانه در سخنرانی افتتاحیه دوره دوم ریاست جمهوری خود، سیاست کمک های فنی و اقتصادی به کشورهای در حال توسعه را به عنوان ابزاری برای مقابله با نفوذ کمونیسم و ترویج الگوی توسعه غربی مطرح کرد. ایران به عنوان کشوری با موقعیت استراتژیک، از جمله کشورهایی بود که مورد توجه این سیاست قرار گرفت و اولین کشور خاورمیانه بود که از کمک های اصل ۴۴ برخوردار شد. برنامه های توسعه عمرانی ایران به ویژه برنامه اول (۱۳۲۸-۱۳۳۴) و دوم (۱۳۳۵-۱۳۴۱)، در بستر این تحولات سیاسی و اقتصادی شکل گرفتند. بررسی های پیشین مطالعاتی از اصل چهارم در ایران، عمدتاً بر روایت های دوگانه متمرکز بوده اند: نخست، روایتی که آن را محرک نوسازی و انتقال دانش فنی می داند؛ و دوم، روایتی که آن را ابزاری برای نفوذ سیاسی و وابستگی اقتصادی معرفی می کند. با این حال تاکنون پژوهشی که به طور یکپارچه و انتقادی سازوکارهای اثرگذاری این برنامه بر دو برنامه عمرانی اول (۱۳۲۹-۱۳۳۴) و

دوم (۱۳۳۵-۱۳۴۱) پردازد، انجام نگرفته است؛ به‌ویژه از منظر تلفیق اهداف توسعه‌ای با منافع راهبردی ایالات متحده. کمک‌های فنی اصل چهارم به ایجاد بستر نهادی و تربیت نخبگان تکنوکرات در سازمان برنامه منجر شد؛ و از سوی دیگر، این برنامه به شکل‌گیری تفکر خاص مدیریتی و برنامه‌ریزی توسعه انجامید. این ابهام در دوگانگی کارکرد، شکاف علمی مهمی را در مطالعات تاریخ توسعه و روابط بین‌الملل ایران ایجاد کرده است. این پژوهش در تلاش برای پر کردن این خلا پژوهشی می‌باشد. اهمیت بررسی این موضوع در سه سطح قابل تبیین است: در سطح تاریخی-ساختاری، اصل چهارم ترومن بخش مهمی از تجربه اولیه ایران در زمینه نهادینه‌سازی برنامه‌ریزی توسعه را شکل داد و بر نظام اداری و مدیریتی کشور اثر گذاشت. در سطح سیاسی-بین‌المللی، تحلیل اصل چهارم در بستر جنگ سرد فرصتی برای فهم بهتر پیوند میان سیاست‌های خارجی آمریکا و برنامه‌ریزی ملی ایران فراهم می‌کند و در سطح کاربردی-آینده‌نگر، نتایج این پژوهش می‌تواند معیارهای ارزیابی کارآمدی یا محدودیت کمک‌های خارجی در کشورهای در حال توسعه را روشن سازد. تعامل میان برنامه‌های توسعه ملی یک کشور در حال توسعه و کمک‌های خارجی یک ابرقدرت، همواره موضوعی پیچیده و چندلایه بوده است. مسئله اصلی این پژوهش، تحلیل دقیق ماهیت، ابعاد و عمق تأثیرگذاری برنامه اصل چهارم ترومن بر دو برنامه عمرانی نخست ایران است. با وجود آنکه مطالعاتی به صورت مجزا به برنامه‌های عمرانی یا روابط ایران و آمریکا در آن دوره پرداخته‌اند، اما اغلب این پژوهش‌ها یا تأثیر اصل چهارم را در یک حوزه خاص (مانند کشاورزی یا آموزش عشایر) بررسی کرده‌اند، یا نگاهی کلی و بدون تفکیک به مجموعه کمک‌های آمریکا داشته‌اند. شکاف تحقیقاتی موجود، عدم وجود تحلیلی یکپارچه که به طور مشخص تعاملات و تقابل‌های بین اهداف، سازوکارها و نتایج برنامه اصل چهارم با اهداف و پروژه‌های تعریف‌شده در برنامه‌های عمرانی اول و دوم را کالبدشکافی کند، باعث انجام این پژوهش گردید. از این رو، این پژوهش در پی دستیابی به اهداف مشخصی است: ۱. تفکیک و دسته‌بندی فعالیت‌های اصل چهارم در ایران به دو حوزه سخت‌افزاری (پروژه‌های عمرانی ملموس) و نرم‌افزاری (مشاوره، آموزش و نفوذ در ساختار سازمان برنامه). ۲. ارزیابی انتقادی تأثیرات دوگانه این فعالیت‌ها بر مسیر توسعه ایران و ۳. ارائه یک چارچوب تحلیلی جامع که بتواند همزمان ابعاد فنی- توسعه‌ای و سیاسی- استراتژیک اصل

چهارم را تبیین کند.

## ۲. ادبیات نظری و پیشینه تحقیق

برای فهم ماهیت چندوجهی و ظاهراً متناقض اصل چهارم ترومن در ایران، این پژوهش یک چارچوب تحلیلی را صورت‌بندی می‌کند که برآمده از تلفیق انتقادی دو پارادایم نظری کلان در مطالعات توسعه است: نظریه نوسازی و نظریه‌های وابستگی/نظام جهانی. پارادایم نوسازی<sup>۱</sup>، که خود محصول فکری و ایدئولوژیک همان دوره‌ای است که اصل چهارم در آن متولد شد، گفتمان مسلط و توجیه‌گر چنین مداخلاتی بود. این پارادایم، توسعه را یک مسیر تکاملی، جهان‌شمول و خطی از جامعه سنتی به مدرن تعریف می‌کند که در آن، جوامع غربی الگوی غایی محسوب می‌شوند. از این منظر، موانع توسعه امری درونی است؛ یعنی کمبود سرمایه، فقدان تکنولوژی، ضعف نهادهای بوروکراتیک، و غلبه ارزش‌های فرهنگی سنتی. در این چارچوب، کمک‌های خارجی مانند اصل چهارم، نقش یک کاتالیزور بیرونی را ایفا می‌کنند که با تزریق دانش فنی، سرمایه و الگوهای مدیریتی مدرن (مانند عقلانیت ابزاری و تخصص‌گرایی)، فرآیند گذار را تسریع می‌بخشد. بنابراین، بخش قابل توجهی از فعالیت‌های اصل چهارم (از پروژه‌های بهداشتی و کشاورزی گرفته تا آموزش کارشناسان سازمان برنامه) در وهله اول از این منظر قابل فهم و تبیین است. در نقطه مقابل، پارادایم انتقادی وابستگی و نظام جهانی<sup>۲</sup>، این روایت خوش‌بینانه را به چالش می‌کشد. این دیدگاه، توسعه‌نیافتگی را نه یک وضعیت ابتدایی و درونی، بلکه محصول یک فرآیند تاریخی و بیرونی می‌داند که طی آن، ساختار نظام سرمایه‌داری جهانی، کشورهای مرکز (صنعتی) را به قیمت توسعه‌نیافتگی یا توسعه وابسته در کشورهای پیرامون (در حال توسعه) منتفع می‌سازد. از این منظر، کمک‌های خارجی ابزاری برای توسعه اصیل نیستند، بلکه مکانیسمی برای بازتولید ساختارهای وابستگی هستند. این کمک‌ها با همسوسازی نخبگان محلی، شکل‌دهی به نهادهای دولتی در راستای منافع مرکز، و ادغام اقتصاد پیرامون در نظام جهانی به شیوه‌ای نامتقارن، عملاً استقلال و توانایی توسعه درون‌زای آن کشورها

<sup>۱</sup> - Modernization Paradigm

<sup>۲</sup> - Critical Dependency/World-Systems Paradigm

را تضعیف می‌کنند.

پژوهش‌های جدیدتر با نگاهی انتقادی، این برنامه‌ها را در بستر گفتمان توسعه جنگ سرد تحلیل می‌کنند. برای نمونه، گود<sup>۱</sup> (۲۰۱۴) استدلال می‌کند که اصل چهارم ابزار برای مهندسی اجتماعی و بازسازی ایران به عنوان یک متحد ضد کمونیست بود. صیقل<sup>۲</sup> (۲۰۱۶) این کمک‌ها را بخشی از استراتژی کلان مهار<sup>۳</sup> می‌داند که اهداف توسعه‌ای آن در خدمت اهداف ژئوپلیتیک قرار داشت. لئونز<sup>۴</sup> (۲۰۱۱) نیز در پژوهشی نشان می‌دهد که چگونه پروژه‌های توسعه جامعه در روستاها به عنوان سلاحی برای مقابله با نفوذ حزب توده و ایجاد مشروعیت برای دولت مرکزی طراحی شده بودند. کشتی آرا و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهش خود در مورد سیر تاریخی روند مبارزه با مالاریا در برنامه‌های توسعه، به بررسی اقدامات اصل چهارم با همراهی دولت و سازمان برنامه برای مبارزه با این بیماری در حوزه بهداشت نیز پرداخته‌اند. حیدری و بینشی‌فر (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی نقش اصل ۴ ترومن در آموزش و پرورش عشایری فارس پرداخته و با بیان اینکه حاکمیت علاقه‌مند بوده است با باسواد کردن جامعه عشایری فارس، که به علت وسعت، موقعیت و سکونت‌گاه قبایل مختلف عشایری، به‌خصوص ایل قشقایی، از اهمیت بالایی برخوردار بود، آنها را یکجانشین‌کننده، بدون حضور کارمندان اصل ۴ ترومن، عملیات باسواد کردن جامعه عشایری در آن دوره زمانبند تحقق پیدا نمی‌کرد. رفیعی‌راد و محمدی (۱۳۹۶) در مطالعه‌ای با عنوان مکتب نوسازی متقدم و ریشه‌های تاریخی بحران منابع آب‌های زیرزمینی در ایران: بررسی تأثیر و عملکرد اصل چهار ترومن، به بررسی ریشه‌های بحران آب و به عبارتی عوامل اصلی تغییر الگوی بهره‌برداری پرداخته و بیان کرده‌اند اصل چهار ترومن با استفاده از روش‌های مختلف آموزش و نهادسازی به صورت مستقیم و غیرمستقیم در چهار مرحله (دوره‌های ترجیح رویکرد نوسازانه برای بهره‌برداری از منابع، عملیاتی نمودن برنامه‌ها،

<sup>۱</sup> - Goode

<sup>۲</sup> - Saikal

<sup>۳</sup> - Containment

<sup>۴</sup> - Lentz

تغییر اولویت از اجرا به نظارت و برنامه‌ریزی، دوره پس از اتمام قرارداد) بر تکوین و وضعیت بحرانی آب‌های زیرزمینی ایران موثر بوده است. مهم (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان اصل چهارم و تغییر اجتماعی در ایران به معرفی و نقد کتاب «بررسی اهداف و عملکرد اصل چهارم ترومن» پرداخته و بیان داشته این کتاب تنها اثر انتشار یافته در این زمینه است که کالبدشکافی مناسبی از ماهیت و فرایند اصل چهارم در ایران ارائه داده اما به نتایج و تأثیرات پایدار این طراحی تغییر اجتماعی در ایران کمتر توجه داشته است. با این وجود می‌تواند در طراحی الگوی تغییرات اجتماعی در ایران به کار آید. سالمی قمصری و همکاران (۱۳۹۹) در مطالعه خود با عنوان اصل چهارم ترومن و امکان توسعه در ایران، از منظر جامعه‌شناسی تاریخی به اصل چهارم ترومن پرداخته و معتقدند هدف کوتاه‌مدت اصل چهارم جلوگیری از نفوذ کمونیسم در اروپا و کشورهای حساس برای آمریکا بوده که توانست به آن دست یابد. مرور پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که اصل چهارم ترومن از زوایای متعددی مورد بررسی قرار گرفته است، اما هر یک از این مطالعات بر وجهی خاص از این پدیده متمرکز بوده و از ارائه یک تحلیل یکپارچه که مکانیسم تأثیرگذاری این برنامه بر نهاد برنامه‌ریزی ملی ایران را کالبدشکافی کند، باز مانده‌اند. محققان در مطالعات خود بصورت کلی و با در نظر گرفتن یک‌بعد از اثرات اصل ۴ به بررسی میزان موفقیت این اصل در ایران پرداخته‌اند. شکاف اصلی که این پژوهش آن را هدف قرار داده، فقدان یک تحلیل منسجم از فعل و انفعال میان هیئت عملیات اقتصادی آمریکا در مسئله اصل چهارم ترومن و سازمان برنامه ایران (در قالب برنامه اول و دوم عمرانی) است. در حالی که پژوهش‌های قبلی یا بر اهداف کلان آمریکا متمرکز بوده‌اند یا بر پیامدهای بخشی و موردی پروژه‌ها، این تحقیق بر فرآیند تأثیرگذاری و نهادینه‌سازی نفوذ در نظام برنامه‌ریزی کشور تمرکز دارد. در این پژوهش اما باتوجه به همزمانی اجرای برنامه اول عمرانی و امتداد حضور اصل ۴ در ایران تا برنامه دوم عمرانی به تاثیر اقدامات این اصل بر برنامه‌های عمرانی اول و دوم که نمایی کل‌نگر و جامعتری از تأثیرات را ارائه می‌دهد پرداخته است.

### ۳. روش شناسی پژوهش

این پژوهش با هدف فهم عمیق و چندلایه از تأثیرات برنامه اصل چهارم ترومن بر برنامه‌های عمرانی ایران، از رویکرد کیفی و استراتژی تحلیل اسنادی بهره برده است. این پژوهش در چارچوب پارادایم تفسیری قرار می‌گیرد. برای عملیاتی‌سازی این پارادایم، از روش تحلیل

هرمونیتیک<sup>۱</sup> به عنوان ابزار اصلی تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شده است. اسناد در مقوله پارادایم‌های متنی قرار دارند که بخش جدانشدنی از سیستم‌ها و ساختارهای دیگر در سازمان هستند. بدین طریق که فهم مسائل خاص را تعریف کرده و رفتارها و روش‌های گوناگون انجام امور را توصیف می‌کنند. از اینرو اطلاعاتی که این اسناد در اختیار پژوهشگران می‌گذارند، جامع‌تر از اطلاعاتی است که از طریق مصاحبه یا پرسشنامه به دست می‌آید. در این پژوهش برای تحلیل مستندات از روش هرمونیتیک استفاده شده است که به بر اساس گام‌های این روش (دانایی فرد و همکاران، ۱۹۲: ۱۳۸۳)، پرداخته می‌شود:

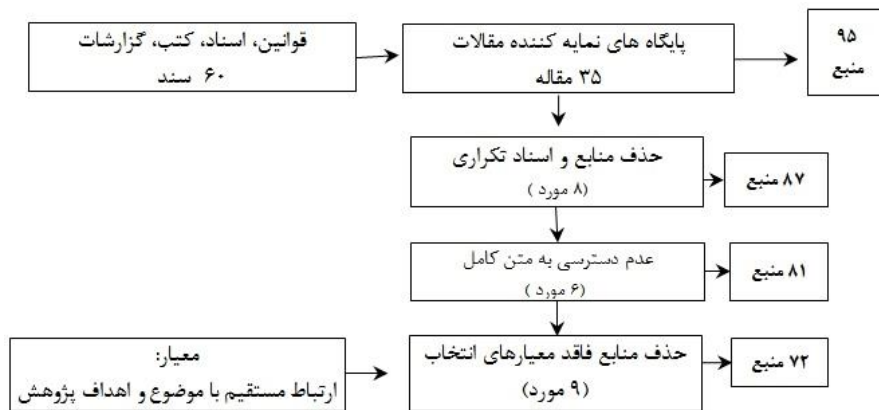
- **دسترسی به داده‌های اطلاعاتی:** برای دسترسی به داده‌های اطلاعاتی از منابع و گزارش‌های رسمی، قانون برنامه اول و دوم و نیز گزارش عملکرد برنامه‌ها که توسط سازمان برنامه تدوین شده است و همچنین متن اصلی نطق ترومن (مربوط به بخش اصل ۴) استفاده گردید.

- **بازیابی اعتبار داده‌های اطلاعاتی:** به دلیل استفاده از منابع اصلی موضوع تحقیق (برنامه عمرانی اول و گزارش عملکرد آن) و از آنجا که سایر منابع استفاده شده از مقالات معتبر چاپ شده در نشریات دارای اعتبار وزارت علوم کشور و نیز مجلات و کتب مرجع و مستند بوده است، منابع داده‌های اطلاعاتی از اعتبار مناسبی برخوردار بوده‌اند.

---

<sup>۱</sup> - Hermeneutic Analysis

شکل ۱- بازبینی نظام مند اعتبار منابع اطلاعاتی



- درک و فهم اسناد و تجزیه و تحلیل داده های اطلاعاتی: به منظور تجزیه و تحلیل ابتدا به بررسی شروع برنامه های توسعه عمرانی، اصول ترومن و روند ورود آن و شرکت های بین المللی مشاور به ایران و در نهایت بررسی اقدامات اصل ۴ پرداخته شده است.

#### ۴. بررسی روند تدوین برنامه های اول و دوم عمرانی

اولین برنامه توسعه در ایران (برنامه عمرانی اول) در ۲۶ بهمن ۱۳۲۷ به تصویب مجلس شورای ملی رسید و سپس در ۱۳ تیر ۱۳۲۸ قانون اجازه اجرای موقت برنامه عمرانی اول تصویب شد. برنامه مدت اجرای این برنامه هفت سال (از مهر ۱۳۲۸ تا شهریور ۱۳۳۴) بود. در عصر پهلوی پنج برنامه عمرانی تدوین و اجرا گردید. از میان آنها، برنامه پنجم عمرانی مدتی بعد از تصویب و اجرا، مورد بازبینی و تجدیدنظر کلی قرار گرفت. در ابتدا هدف طراحی برنامه های مداوم نبود بلکه صرفاً تدوین برنامه ای هفت ساله در حوزه کشاورزی بود، اما بعد از آن برنامه های دیگری تدوین شد و بعد از دومین برنامه عنوان عددی (برنامه عمرانی دوم و سوم و ...) برای قوانین مربوط به آنها قید شد. در سال ۱۳۱۰ مهندس علی زاهدی در کتابی با عنوان لزوم پروگرام صنعتی، تلاش های زیادی برای بیان اهمیت صنعتی شدن ایران به عمل آورد. در سال ۱۳۱۶ به پیشنهاد ابوالحسن ابتهاج (رئیس وقت اداره نظارت بر شرکت های دولتی)، حسین اعلا (رئیس اداره کل تجارت) موضوع لزوم برنامه ریزی در ایران را با رضاشاه مطرح کرد که مورد موافقت

قرار گرفت (نیلی و کریمی، ۱۳۹۶). به دنبال آن، اساسنامه شورای اقتصاد با موافقت وزیر مالیه (علی اکبر داور) تهیه و برای تصویب به هیئت دولت ارائه شد. و در فروردین سال ۱۳۱۶ به تصویب هیئت دولت رسید. در آن زمان جم نخست وزیر بود و داور تازه خودکشی کرده بود و محمود بدر کفیل وزارت مالیه شده بود (ابتهاج، ۱۳۷۱). بعد از تشکیل شورای اقتصاد، ابتهاج بعنوان رئیس دبیرخانه شورای اقتصاد، مسئول تهیه مقدمات سندی به نام نقشه اقتصادی کشور می شود. اصطلاح نقشه اقتصادی کشور را ابتهاج خود مطرح کرده است. پس از آن شورای اقتصاد در سال ۱۳۱۶ یک کمیسیون دائمی به نام کمیسیون تهیه برنامه برای محصولات تشکیل داد. این کمیسیون پیشنهادهایی برای اصلاح وضع کشاورزی و اسکان عشایر تهیه کرد و برنامه‌ای به نام برنامه هفت ساله کشاورزی به نخست وزیر ارائه نمود (مک لئود، ۱۳۸۰). آخرین تلاش‌ها برای تهیه یک برنامه اقتصادی قبل از جنگ جهانی دوم و اشغال ایران به دست متفقین توسط ابتهاج صورت گرفت. در آبان ۱۳۱۸ احمد متین دفتری، که در کابینه محمد جم سمت وزیر دارایی بود، مامور تشکیل دولت شد. ابتهاج در آن زمان مدیرکل بانک ملی ایران بود. در نامه‌ای که ابتهاج در تاریخ ۲ آذر ۱۳۱۸ به متین دفتری ارسال می کند، آمده است: اگر بخواهیم علت مغشوش بودن وضع اقتصادی کشور را به طور اختصار بیان کنیم، به جرات می توان گفت که دلیل عمده، (۱) نداشتن برنامه اقتصادی و (۲) نبودن مرکزیت در کارهای اقتصادی است. در ادامه نامه با برشمردن مشکلات عدیده اقتصادی کشور، بهترین راه حل اصولی را برای کاهش این مشکلات، داشتن برنامه و یک سازمان هدایت کننده برنامه در هیئت دولت ایران معرفی می کند (بانک ملی، ۱۳۲۷). این اولین پیشنهاد برای تهیه یک برنامه اقتصادی و ایجاد سازمان برنامه در ایران است. نامه از طریق دفتر مخصوص به اطلاع رضا شاه می رسد (ابتهاج، ۱۳۷۱).

در فروردین ۱۳۲۵ هیئت وزیران تشکیل هیئتی به نام هیئت تهیه نقشه اصلاحی و عمرانی کشور را با انتخاب و ریاست وزیر دارایی (مرتضی قلی بیات) تصویب کرد. سپس هیئت دولت در اولین جلسه خود در ۲۵ فروردین ۱۳۲۵ تصمیم گرفت با کمک سازمان‌ها و وزارتخانه‌ها اقدام به تهیه برنامه مقدماتی کند. هیئت تهیه نقشه اصلاحی و عمرانی کشور توانست گزارش خود را در پایان خرداد ۱۳۲۵ با عنوان، برنامه هفت ساله عمرانی و اصلاحی کشور به هیئت دولت ارائه کند (نیلی و کریمی، ۱۳۹۶) در تاریخ ۲۷ مرداد ۱۳۲۵ هیئت دولت تشکیل هیئت عالی برنامه را تصویب کرد.

پس از مطالعاتی که توسط هیئت عالی برنامه به عمل آمد، توانایی مالی کشور برای اجرای نقشه وسیعی که اصلاحات اجتماعی و اقتصادی را در برداشته باشد، ناکافی تشخیص داده شد و دولت به فکر افتاد که بخشی از اعتبارات مورد نیاز را از طریق گرفتن وام از خارج تأمین کند.

### ۵. نگاهی به اصول ۴گانه ترومن

ترومن در انتخابات ۱۹۴۸ برای دومین بار به ریاست جمهوری آمریکا رسید. ترومن نطق افتتاحیه دور دوم ریاست جمهوری خود را در ابتدای سال ۱۹۴۹ ایراد کرد (اصول چهارگانه ترومن در این نطق بیان گردید). در این سخنرانی ترومن به چشم اندازهای جهانی مدنظر آمریکا می پردازد و می گوید: " مردم آمریکا آرزوی جهانی را دارند و مصمم هستند که برای آن تلاش کنند، جهانی که در آن همه ملت ها و همه مردم آزاد باشند تا آنطور که مناسب می دانند بر خود حکومت کنند و به یک زندگی شایسته و رضایت بخش دست یابند. بالاتر از همه، مردم ما آرزوی صلح بر روی زمین - صلحی عادلانه و پایدار - مبتنی بر توافق واقعی و آزادانه حاصل شده توسط افراد برابر را دارند و مصمم هستند که برای آن تلاش کنند". او سپس به کمونیسم حمله می کند و بیان می کند " آن رژیم به فلسفه ای دروغین پایند است که ادعا می کند آزادی، امنیت و فرصت های بیشتری را برای بشریت فراهم می کند. بسیاری از مردم که با این فلسفه گمراه شده اند، آزادی های خود را فدا کرده اند، اما با کمال تأسف دریافته اند که فریب و تمسخر، فقر و استبداد، پادشاه آنهاست، آن فلسفه ی نادرست، کمونیسم است. کمونیسم بر این باور استوار است که انسان آنقدر ضعیف و ناکافی است که قادر به اداره خود نیست و بنابراین به حکومت اربابان قوی نیاز دارد" و سپس به مقایسه و برتری دموکراسی نسبت به کمونیست می پردازد و برنامه خود را برای صلح و آزادی بر چهار مسیر اصلی اقدام مورد تأکید قرار می دهد: **اول؛** ما به حمایت بی دریغ خود از سازمان ملل متحد و سازمان های مرتبط ادامه خواهیم داد و به جستجوی راه هایی برای تقویت اقتدار و افزایش اثربخشی آنها ادامه خواهیم داد. ما معتقدیم که سازمان ملل متحد توسط ملت های جدیدی که در سرزمین هایی که اکنون به سمت خودگردانی تحت اصول دموکراتیک پیش می روند، تشکیل می شوند، تقویت خواهد شد. **دوم؛** ما برنامه های خود را برای بهبود اقتصاد جهانی ادامه خواهیم داد. این بدان معناست که قبل از هر چیز، ما باید تمام توان خود را برای حمایت از برنامه بهبود اقتصادی اروپا به کار

گیریم. ما به موفقیت این اقدام بزرگ در بهبود اقتصادی جهان اطمینان داریم. ما معتقدیم که شرکای ما در این تلاش، بار دیگر به جایگاه کشورهای خود کفا دست خواهند یافت. علاوه بر این، ما باید برنامه‌های خود را برای کاهش موانع تجارت جهانی و افزایش حجم آن اجرا کنیم. بهبود اقتصادی و خود صلح به افزایش تجارت جهانی بستگی دارد. **سوم؛** ما ملت‌های آزادی‌خواه را در برابر خطرات تجاوز تقویت خواهیم کرد. ما اکنون با تعدادی از کشورها در حال تدوین یک توافق مشترک هستیم که برای تقویت امنیت منطقه آتلانتیک شمالی طراحی شده است. چنین توافقی به شکل یک ترتیبات دفاع جمعی در چارچوب مشور سازمان ملل متحد خواهد بود. **چهارم؛** ما باید یک برنامه جدید و جسورانه را برای استفاده از مزایای پیشرفت‌های علمی و صنعتی خود برای بهبود و رشد مناطق توسعه نیافته آغاز کنیم. بیش از نیمی از مردم جهان در شرایطی نزدیک به فلاکت زندگی می‌کنند. غذای آنها ناکافی است. آنها قربانی بیماری هستند. زندگی اقتصادی آنها ابتدایی و راکد است. فقر آنها یک مانع و تهدیدی هم برای خودشان و هم برای مناطق مرفه‌تر است. برای اولین بار در تاریخ، بشریت دانش و مهارت لازم برای تسکین رنج این مردم را دارد. من معتقدم که ما باید مزایای دانش فنی خود را در اختیار مردم صلح‌دوست قرار دهیم تا به آنها در تحقق آرزوهایشان برای زندگی بهتر کمک کنیم. و با همکاری سایر ملت‌ها، باید سرمایه‌گذاری در حوزه‌هایی که نیاز به توسعه دارند را تقویت کنیم.

آنچه از متن نطق ترومن در بیان اصول چهارگانه کاملاً مشخص است؛ مقابله با کمونیست، رهبری جهانی آمریکا و حمایت از سازمان‌های بین‌المللی، صلح‌طلبی دموکراسی‌خواهی و کمک به کشورهای توسعه‌نیافته از راه انتقال دانش فنی و کمک‌های اقتصادی است. از منظر نظریه‌های توسعه، اصل چهارم ترومن را می‌توان در چارچوب نظریه نوسازی تحلیل کرد؛ نظریه‌ای که توسعه را به‌مثابه فرآیندی خطی و قابل انتقال از کشورهای توسعه‌یافته به توسعه‌نیافته تلقی می‌کند. برجسته‌ترین نکته‌های مورد نظر او صدور تکنولوژی و خدمات اقتصادی و فنی آمریکا، تامین بازار مناسب برای تولیدات عظیم آمریکا، گسترش تجارت آزاد جهانی، افزایش رفاه اجتماعی و افزایش طبیعی قدرت خرید در کشورهای جهان سوم و... است. علاوه بر اهداف خارجی، یکی از مهمترین اهداف از ارائه چنین طرح‌هایی را باید در مسائل داخل آمریکا

## == تاثیر اقدامات اصل چهارم ترومن بر برنامه های اول و دوم عمرانی ایران..... ۳۳۱

جستجو کرد. زیرا ترومن هنگامیکه اصل چهارم را مطرح کرد از حمایت محافل تجاری داخل آمریکا برخوردار نبود، در حالی که پس از مدتی ثابت شد که طرح های ترومن تا چه اندازه برای تأمین منابع آمریکا مفید است (همراز، ۱۳۸۱).

### ۶. گروه ها و شرکت های مشاور آمریکایی در ایران

یکی از اشتباهات رایج در اکثر مطالعات مربوط به برنامه های عمرانی پهلوی، عدم تفکیک فعالیت گروه ها و شرکت های مشاور آمریکایی در برنامه های عمرانی با فعالیت اصل ۴ در ایران از جمله مطالعات شرکت مهندسين مشاور موريس نودسن<sup>۱</sup>، مطالعات شرکت مهندسين مشاور ماوراء بحار<sup>۲</sup> و تحقیقات ۲ گروه کارشناسی دانشگاه هاروارد در ایران است، این فعالیت ها گرچه در جهت اقدامات آمریکا بر ضد توسعه جغرافیایی کمونیست بود اما ارتباطی با اصل ۴ نداشتند. چه آنکه فعالیت های دو شرکت مشاور (موريس نودسن و ماورا بحار قبل از اعلام اصل ۴ و تحقیقات دو گروه کارشناسان دانشگاه هاروارد با هدف تدوین و اجرای برنامه اول و دوم عمرانی بوده است).

### ۶-۱. مطالعات شرکت مهندسين مشاور موريس نودسن و ماوراء بحار

در فروردین ۱۳۲۵ هیئت وزیران تشکیل هیئتی به نام هیئت تهیه نقشه اصلاحی و عمرانی کشور را با انتخاب و ریاست وزیر دارایی (مرتضی قلی بیات) تصویب کرد. سپس هیئت دولت در اولین جلسه خود در ۲۵ فروردین ۱۳۲۵ تصمیم گرفت با کمک سازمان ها و وزارتخانه ها اقدام به تهیه برنامه مقدماتی کند. هیئت تهیه نقشه اصلاحی و عمرانی کشور توانست گزارش خود را در پایان خرداد ۱۳۲۵ با عنوان، برنامه هفت ساله عمرانی و اصلاحی کشور به هیئت دولت ارائه کند (نیلی و کریمی، ۱۳۹۶) در تاریخ ۲۷ مرداد ۱۳۲۵ هیئت دولت تشکیل هیئت عالی برنامه را تصویب کرد. پس از مطالعاتی که توسط هیئت عالی برنامه به عمل آمد، توانایی مالی کشور برای اجرای نقشه وسیعی که اصلاحات اجتماعی و اقتصادی را در برداشته باشد، ناکافی تشخیص داده شد و دولت به فکر افتاد که بخشی از اعتبارات مورد نیاز را از طریق گرفتن وام از خارج تأمین کنند. این هیئت، بانک ملی ایران (به سرپرستی ابوالحسن ابتهاج) را مامور مطالعه برای پیدا کردن

<sup>۱</sup> -Morrison Knudsen

<sup>۲</sup> -Overseas Consultants Incorporated

راهکارهای تامین اعتبارات برنامه کرد (ابتهاج، ۱۳۷۱). هیئت دولت به پیشنهاد و تشویق ابوالحسن ابتهاج (که از سال ۱۳۲۱ رئیس بانک ملی ایران و در سال ۱۳۲۳ نماینده ایران در کنفرانس برتون وودز<sup>۱</sup> بعنوان پایه‌گذار بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه که هم اکنون بانک جهانی نامیده می‌شود، بود) تقاضای وامی به مبلغ ۲۵۰ میلیون دلار برای اجرای برنامه هفت ساله، تنظیم و در ۳ آبان ۱۳۲۵ از طریق سفارت ایران در آمریکا، تسلیم هیئت‌مدیره بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه کرد. بانک جهانی (ترمیم و توسعه) پرداخت وام را منوط به ارائه گزارش دقیق و اعلام نحوه مصرف و شیوه استرداد وام دریافتی می‌کند. برای تهیه برنامه مورد درخواست هیئت‌مدیره بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه، دولت ایران از طریق سفیر ایران در آمریکا با چند شرکت مشاوره مذاکراتی انجام داد. نهایتاً حسن مشرف نفیسی بعنوان نماینده ایران در بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه با شرکت مهندسين مشاور موريس نودسن وارد مذاکره و عقد قرارداد شد که آنها در تهیه برنامه اصلاحی نهایی به هیئت‌عالی برنامه کمک کند. در آذر ۱۳۲۵ قراردادی میان دولت و شرکت مذکور بسته شد که به موجب آن هیئتی مرکب از ۱۰ نفر مهندس آمریکایی شرایط کشور را برای اجرای برنامه، مورد مطالعه قرار دهند و پیشنهادهای عملیاتی خود را ارائه کنند. گروه نخست کارشناسان اعزامی به سرپرستی جی.اف.دان نایب رئیس بخش عملیات خارجی شرکت موريس نودسن در دی ماه ۱۳۲۵ به ایران آمدند. اعضای این هیئت حدود چهار ماه در ایران بودند، و طی این مدت بانک ملی، محل استقرار و کار آنها بود. بنابراین درخواست وام ۲۵۰ میلیون دلار برای اجرای برنامه هفت ساله (برنامه عمرانی اول) و مطالعات شرکت موريس نودسن ربطی به کمک‌های اصل چهارم ندارد. از طرفی بنا به توصیه بانک جهانی (ترمیم و توسعه)، به ابوالحسن ابتهاج، نماینده ایران که در جلسه مجمع عمومی بانک جهانی در واشنگتن در سپتامبر ۱۹۴۸ حضور داشت، ماموریت داده شد به همراه سفیر ایران در واشنگتن (علاء) بنا به توصیه بانک جهانی با شرکت مهندسين مشاور ماوراء بحار قراردادی را جهت استفاده از خدمات تخصصی آنها تنظیم و منعقد کند. قرارداد تنظیمی زیر عنوان «قرارداد خدمات

<sup>۱</sup> - Bretton Woods Conference

## == تاثیر اقدامات اصل چهارم ترومن بر برنامه های اول و دوم عمرانی ایران..... ۳۳۳

تخصصی» در ۲۵ مهرماه ۱۳۲۷ (۷ اکتبر ۱۹۴۸) بین طرفین امضا شد. شرکت مهندسين مشاوره ماوراء بحار يك گروه مهندس مشاور توانمند و با تجربه بود كه از ۱۱ شرکت مهندسی در ژوئن ۱۹۴۷ بنا به درخواست دولت آمریکا برای مطالعه كامل صنایع ژاپن جهت بازسازی پس از خرابی های ناشی از جنگ دوم ایجاد شد. (بانك ملی، شماره ۹۶، صص ۵۰۷). اولین گروه اعزامی شرکت مشاور در ۲۴ آبان ۱۳۲۷ شامل ۵ نفر از مدیران و کارشناسان آن شرکت وارد ایران شدند و در ادامه تعداد آنها به ۳۰ نفر افزایش یافت. فعالیت مهندسين مشاور شامل بازدید از بعضی نواحی، کارخانجات و مزارع کشاورزی، بررسی زندگی مردم و مطالعه اوضاع اقتصادی ایران تا ۱۱ آذر ۱۳۲۷ ادامه یافت و گزارش آنها در ۲۲ دیماه ۱۳۲۷ تحویل دولت جدید (محمد ساعد مراغه ای) شد. مهم ترین نکات گزارش مشاور شامل این موارد است: وجود امکان بهبود درآمد کشور و کم اهمیت بودن قروض دولت، دور بودن اقتصاد ایران از اقتصاد آزاد (دولتی بودن قسمت های مهم اقتصاد ایران، تمرکز بیش از حد امور سیاسی و اقتصادی در تهران)، عدم حس مسولیت نزد طبقه حاکم، فساد اداری، بدوی بودن سیستم کشاورزی و دامپروری، کوچک و کم اهمیت بودن طبقه متوسط و بزرگ بودن طبقه فقیر، پایین بودن سطح بهداشت عمومی، پایین بودن سطح آموزش. همچنین در گزارش مشاور توصیه هایی در مورد اصلاحات عمیق در سیستم مالیاتی، انعطاف پذیر کردن برنامه جهت تغییرات احتمالی به دلیل طولانی بودن دوران برنامه و سپردن مدیریت برنامه به دست افراد لایق و درستکار (بانك ملی، شماره ۹۸، ضمیمه، صص ۹۸-۱۰۳). تلاش در کمیسیون برنامه مجلس با بهره گیری از گزارش مشاوران و كمك سازمان موقت برنامه برای تهیه برنامه نهایی ادامه یافت. برنامه مقدماتی رئوس، سرفصل ها و کلیات برنامه را مشخص می کرد؛ ولی برای قابل اجرا شدن برنامه، نیاز به يك برنامه تفصیلی گسترده بود تا طرح ها و پروژه های هر بخش برنامه را براساس معیارهای فنی - اقتصادی انتخاب و محل تامین و هزینه کردن اعتبارات برنامه را مشخص کند. تهیه برنامه تفصیلی نیاز به متخصصین کارآزموده و آمار و اطلاعات کافی داشت كه هیچ کدام در ایران آن زمان موجود نبود و دولت ایران (محمد ساعد) بار دیگر مجبور به استخدام مشاور خارجی شد. برای تهیه برنامه تفصیلی بار دیگر از شرکت مهندسين مشاور ماوراء بحار تقاضای همکاری شد. قرارداد دوم در ۱۲ بهمن ۱۳۲۷ جهت تهیه برنامه تفصیلی بین طرفین منعقد شد. به موجب این قرارداد گروه مشاور متعهد شد برای تهیه برنامه تفصیلی در حدود لایحه مصوب در کمیسیون مجلس شورای ملی به سازمان موقت برنامه

کمک کند. بر اساس قرارداد، شرکت مشاور متعهد شد ظرف مدت سه ماه از تاریخ عقد قرارداد درباره دستگاه‌های صنعتی، کشاورزی، امور اجتماعی، فرهنگی و اجتماعی، بهداشتی، امور شهری و آبیاری، بررسی‌های کامل به عمل آورد و یکماه پس از تکمیل مطالعات محلی، نظر و پیشنهادها را طی گزارشی مخصوص به سازمان موقت برنامه تسلیم کند (همان). اما در عمل به دلیل وجود موانع، گزارش ابتدایی مشاوران ماوراء بحار پس از ۴ ماه و گزارش نهایی آنها خیلی دیر و در مهرماه ۱۳۲۸ پس از تصویب برنامه، در اختیار سازمان موقت برنامه قرار گرفت و در تهیه لایحه نهایی برنامه مورد استفاده واقع نشد (مشرف نفیسی، ۱۳۲۶) این شرکت یک گروه مهندسی مشاور توانمند و باتجربه بود که از ۱۱ شرکت مهندسی در سال ۱۹۴۷م بنا به درخواست دولت آمریکا برای مطالعه کامل صنایع ژاپن جهت بازسازی پس از خرابی‌های ناشی از جنگ دوم ایجاد شد. ماموریت این شرکت در ایران ایجاد یک اتاق فکر اقتصادی است. اتاق فکری که امروز با نام سازمان برنامه شناخته می‌شود. گزارش نهایی شرکت ماوراء بحار در مهر ۱۳۲۸ به دولت ارائه شد که به دلیل تصویب قانون اجازه اجرای برنامه عمرانی اول، عملاً مورد استفاده قرار نگرفت. اجرای برنامه اول (۱۳۲۸-۱۳۳۴ش) با ملی شدن صنعت نفت (۱۳۲۹ش) و حوادث ۲۸ مرداد (۱۳۳۲ش) و سایر وقایع سیاسی و اجتماعی مهم مصادف بود. آمریکایی‌ها ابتدا یک اعتبار ۱۰ میلیون دلاری را برای کمک به ایران از تصویب کنگره گذراندند و سپس هیاتی از مهندسان آمریکایی در ۲۶ مهر ۱۳۲۷ به تهران آمدند تا درباره برنامه عمرانی هفت ساله کشور مطالعه و بررسی کنند. حضور کارشناسان موسسه ماوراء بحار که در واقع برای احیای حیات صنعتی و کشاورزی به ایران آمده بودند، سبب شد تا دولت آمریکا مبلغ ۲۵ میلیون دلار دیگر به دولت ایران کمک کند. از این پس، توجه به برنامه‌های اقتصادی و صنعتی شروع شد. همچنین اصلاحاتی نیز در این زمینه‌ها آغاز گردید؛ زیرا این اصلاحات نه تنها مورد نیاز اساسی کشور بود، بلکه می‌توانست به مثابه یک وزنه مهم در برابر تبلیغات ضدشاه به کار رود.

## ۲-۶. مطالعات مشاوران دانشگاه هاروارد (گروه اول و دوم)

گروه اول مشاوران هاروارد (اوایل دهه ۱۳۳۰ش) حدود ۱۹۵۰-۱۹۵۲م وارد ایران شد. هدف اصلی‌شان کمک به تدوین و اجرای برنامه عمرانی اول ایران بود. تمرکز بر آموزش مدیران دولتی، بهبود سیستم بودجه‌ریزی، و برنامه‌ریزی اقتصادی کلان بود. اعضا شامل اقتصاددانان و

## == تاثیر اقدامات اصل چهارم ترومن بر برنامه های اول و دوم عمرانی ایران..... ۳۳۵

برنامه‌ریزان معروف دانشگاه هاروارد بودند که به‌صورت مشاور به دولت ایران خدمت می‌کردند. گروه دوم مشاوران هاروارد نیز در نیمه دهه ۱۳۳۰ش (۱۳۳۵ش) تا اوایل دهه ۱۳۴۰ش در ایران حضور داشتند. وظیفه آنها ادامه مشاوره در زمینه برنامه‌ریزی توسعه، اصلاح ساختارهای اداری، و آموزش نیروی انسانی بود. بیشتر تمرکز این دوره بر روی بهبود نهادهای برنامه‌ریزی و اجرای پروژه‌های بزرگ عمرانی و اقتصادی بود. ترکیب گروه اول مشاوران، اعضا از مدرسه مدیریت دولتی دانشگاه هاروارد<sup>۱</sup> و رهبری گروه به عهده دکتر لئونارد جی. داگلاس<sup>۲</sup> و بعدها دکتر ویلیام کلارک<sup>۳</sup> بود. بیشتر حوزه فعالیت این گروه آموزش مدیران دولتی ایرانی در سازمان برنامه، طراحی نظام بودجه‌بندی و حسابداری دولتی و ارائه مشاوره در خصوص توسعه اقتصادی، زیرساخت، آمار، و ادارات مرکزی بود. پس از موفقیت نسبی گروه اول و اصلاح ساختار اداری، گروه دوم با تمرکز جدیدتر و بلندمدت‌تر وارد ایران شد. این مرحله در دوره برنامه عمرانی دوم و سوم ایران بود. ترکیب گروه ادامه حضور مدرسه مدیریت هاروارد، ولی با اعضای تازه‌تر با تمرکز بر آموزش بلندمدت و توسعه نهادهای آموزشی و مدیریتی بود. آموزش ایرانیان برای مدیریت پروژه‌های عمرانی، توسعه منابع انسانی و ساختار اداری، راه‌اندازی دوره‌های آموزشی پیشرفته برای مدیران میانی دولت، انتقال مدل‌های مدیریتی آمریکایی به ساختار اداری ایران از دستاوردهای این گروه بود.

### ۷. بررسی اقدامات اصل ۴ در ایران

اصل چهارم ترومن از طریق امضای موافقت‌نامه‌ای میان دولت ایران و ایالات متحده آمریکا در سال ۱۳۲۹ش (۱۹۵۰ م) به ایران آمد این برنامه بخشی از سیاست خارجی ایالات متحده پس از جنگ جهانی دوم بود که در سال ۱۹۴۹م توسط هری ترومن، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، اعلام شد. هدف آن کمک به کشورهای در حال توسعه برای رشد اقتصادی و جلوگیری از نفوذ کمونیسم بود. این موافقت‌نامه به‌طور رسمی در زمان نخست‌وزیری دکتر مصدق، با امضای علی امینی، وزیر دارایی وقت ایران، و نماینده دولت آمریکا، اجرایی شد. به‌دنبال آن، کارشناسان

---

<sup>۱</sup> - Harvard Graduate School of Public Administration

<sup>۲</sup> -Leonard J. D. White

<sup>۳</sup> - William E. Clark

آمریکایی وارد ایران شدند تا در حوزه‌هایی مانند کشاورزی، بهداشت، آموزش، برنامه‌ریزی اقتصادی، و عمران روستایی کمک‌های فنی ارائه دهند. در ایران، این اصل عمدتاً در قالب کمک‌های فنی و آموزشی، به‌ویژه در زمینه‌هایی مانند کشاورزی، بهداشت، آموزش و برنامه‌ریزی توسعه اجرا شد.

قبل از ورود اصل ترومن به ایران، تنها موسسه فعال آمریکایی در ایران، موسسه غیرانتفاعی و غیر دولتی بنیاد خاور نزدیک<sup>۱</sup> بود. این بنیاد خیریه بعنوان پاسخی مستقیم به بحران انسانی ناشی از نسل‌کشی ارمنه در جنگ جهانی اول شکل گرفت و در سال‌های بعد، هدف اصلی این مؤسسه آمریکایی، کمک به کشورهای خاورمیانه و خاور نزدیک اعلام شده که در جنگ اول جهانی آسیب دیده بودند. زمینه ورود بنیاد خاور نزدیک به ایران، به سال ۱۳۲۲ برمی‌گردد که دولت وقت ایران با هدف ایجاد برنامه آموزشی از آنها دعوت به عمل آورد. در حالی که بنیاد خاور نزدیک اصل خود را «پرورش اراده خیر و خودیاری روستائیان» معرفی می‌کرد، ترومن رئیس‌جمهور آمریکا، بنیاد خاور نزدیک را «پتانسیلی برای تقویت استراتژی گسترده مهار» (کمونیسم شوروی) تعریف می‌نمود و با ارائه حمایت‌های مالی، یک رابطه متقابل با آن ایجاد نمود (نام‌برادر شاد و همکاران، ۱۴۰۲). سازمان برنامه ایران نقش هماهنگ‌کننده اجرای پروژه‌های مربوط به اصل چهارم را بر عهده داشت، و آژانس همکاری‌های بین‌المللی آمریکا<sup>۲</sup> در تهران مستقر شد تا برنامه‌ها را پیگیری کند. بنابراین، ورود اصل چهارم به ایران از طریق یک توافق رسمی بین‌المللی و با حمایت مالی و فنی دولت آمریکا و همکاری با نهادهای اجرایی ایران صورت گرفت. دفتر اصل چهارم آمریکا در تهران در اوایل دهه ۱۳۳۰ (دهه ۱۹۵۰ میلادی) در خیابان فردوسی و سپس در نزدیکی سفارت آمریکا در تهران تحت سرپرستی ویلیام ای وارن<sup>۳</sup> مستقر بود. وارن، ایران را به ۱۵۰ بخش<sup>۴</sup> تقسیم کرد. دکتر محمد مقدم بعنوان طرف ایرانی

<sup>۱</sup> -Near East Relie

<sup>۲</sup> - Point Four Program Office

<sup>۳</sup> -William E Warne

<sup>۴</sup> -Zone

## == تاثیر اقدامات اصل چهارم ترومن بر برنامه های اول و دوم عمرانی ایران..... ۳۲۷

سرپرست اصل چهارم، که رئیس اجرایی این اصل بود انتخاب گردید. وارن در سال‌های اول در ایران حضور داشت و بعد ریاست به براون رسید. این دفتر با همکاری سازمان برنامه ایران فعالیت می‌کرد و برنامه‌ها را به صورت مشترک طراحی و اجرا می‌نمود. دفتر مذکور وظیفه هماهنگی کارشناسان آمریکایی اعزام شده به ایران، تهیه تجهیزات، توزیع منابع، و همچنین نظارت بر نحوه اجرای پروژه‌های فنی را داشت. کمک‌های اصل چهارم ترومن بیشتر فنی و آموزشی بودند تا مالی، و تمرکز آن بر توانمندسازی نیروی انسانی، توسعه زیرساخت‌ها، و اصلاح ساختارهای موجود بود. این کمک‌ها بخشی از سیاست کلی آمریکا برای مقابله با نفوذ شوروی در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران، به شمار می‌رفت. این کمک‌ها به ایران در چند حوزه کلیدی و به ترتیب زمانی و موضوعی قابل دسته‌بندی هستند. در ادامه، مهم‌ترین آن‌ها به ترتیب آورده شده‌اند:

۱. بهداشت و سلامت عمومی (۱۳۲۹ به بعد): مبارزه با بیماری‌های واگیردار مانند مالاریا، حصه، و سل؛ احداث و تجهیز درمانگاه‌ها و آزمایشگاه‌ها؛ آموزش پرسنل پزشکی و بهداشتی ایرانی و همکاری با سازمان بهداشت جهانی.

۲. کشاورزی و اصلاحات ارضی: آموزش کشاورزان در زمینه روش‌های نوین کشاورزی؛ واردات بذر، کود شیمیایی و ابزارهای نوین کشاورزی؛ ایجاد مراکز ترویج کشاورزی و آموزش فنی و اجرای پروژه‌های آبیاری در برخی مناطق.

۳. آموزش و تربیت نیروی انسانی: اعزام کارشناسان آمریکایی برای آموزش معلمان، مهندسان و متخصصان؛ ایجاد و تجهیز مدارس فنی و حرفه‌ای؛ توسعه آموزش‌های عملی و کاربردی در روستاها.

۴. عمران و توسعه روستایی: اجرای پروژه‌های آب آشامیدنی، برق‌رسانی، و بهداشت در روستاها؛ آموزش بهروزان و تکنسین‌های روستایی و برنامه‌هایی برای بهبود زندگی روستاییان و جلوگیری از مهاجرت به شهرها.

۵. برنامه‌ریزی اقتصادی و کمک فنی به دولت: همکاری در اجرای برنامه عمرانی اول ایران، آموزش مدیران دولتی و کارمندان در زمینه برنامه‌ریزی، آمار، و مدیریت پروژه و ارائه مشاوره در سیاست‌گذاری اقتصادی و توسعه نهادهای اجرایی.

از منظر مالی، بین سال‌های ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۳ (۱۹۵۰-۱۹۵۴)، آمریکا در قالب اصل چهارم، حدود

۲۳ میلیون دلار کمک فنی و مالی به ایران ارائه داد. این مبلغ بیشتر صرف پرداخت حقوق کارشناسان خارجی، تجهیزات آموزشی و فنی، و هزینه‌های اجرای پروژه‌های عمرانی شد. در مقایسه با کمک‌های کلی، آمریکا از سال ۱۳۲۵ تا ۱۳۵۷ بیش از ۳ میلیارد دلار کمک (نظامی، اقتصادی، و فنی) به ایران اعطا کرد که سهم اصل چهارم ترومن از آن، بخش کوچکی (در حدود ۱ تا ۲ درصد) بود. کمک‌های اقتصادی و نظامی بزرگ‌تر بعد از اتفاقات ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ شدت گرفت، در حالی که اصل چهارم محدود به بازه‌ای پیش از آن و کمی پس از آن بود. اصل چهارم بیشتر یک برنامه‌ی انتقال دانش و کمک فنی بود تا یک پروژه تزریق سرمایه مستقیم. بنابراین حجم مالی آن نسبت به تاثیرات نرم‌افزاری‌اش (مثل نفوذ سیاسی، آموزش نیروی انسانی و تغییر ساختار نهادی) محدودتر بود.

== تاثیر اقدامات اصل چهارم ترومن بر برنامه های اول و دوم عمرانی ایران..... ۳۳۹

جدول ۱. مقاطع زمانی، حوزه، نوع و مبلغ کمک‌های مالی اصل ۴ در ایران

دوره زمانی	حوزه	نوع	مبلغ تقریبی (میلیون دلار)	کارشناسان
۱۳۳۰-۱۳۲۹ش (۱۹۵۱-۱۹۵۰)	بهداشت عمومی	مبارزه با مالاریا، سل، تاسیس درمانگاه، آموزش پزشکی	۳	دکتر چارلز هوارث، هلن جفریس باختیار، تیم بهداشت عمومی، مریان بهداشتی
۱۳۳۱-۱۳۳۰ (۱۹۵۲-۱۹۵۱)	کشاورزی	آموزش کشاورزی، توزیع بذر و کود، ایجاد مراکز ترویجی	۴	ویلیام نیو بولد، لوتر ونسور، گروه‌های دانشگاهی از کرنل و میشیگان، جان مونگومری
۱۳۳۲-۱۳۳۱ (۱۹۵۳-۱۹۵۲)	آموزش و پرورش	تجهیز مدارس فنی، آموزش معلمان، پرسنل فنی	۵	تکنسین‌ها و مربیان فنی، متخصان آموزش معلمان، مشاوران آموزشی، دانشگاه بریگم یانگ،
۱۳۳۳-۱۳۳۲ (۱۹۵۴-۱۹۵۳)	توسعه روستایی	بهبودی روستاها، برق رسانی، آب آشامیدنی، بهداشت.	۶	فرانکلین هریس، جان مونگومری، جورج استوارت، دانشگاه ایالاتی یوتا، دکتر محمد بهمن بیگی
۱۳۳۴-۱۳۳۳ (۱۹۵۵-۱۹۵۴)	برنامه‌ریزی اقتصادی	کمک به سازمان برنامه، آموزش مدیران، مشاوره اقتصادی	۵	دکتر فرانک م. شومن، ویلیام وارن، مشاوران اقتصادی، کارشناسان آمار و بودجه، دکتر علی امینی

منبع: گردآوری، جمع‌بندی و تخلص توسط محقق

برنامه اصل چهارم ترومن در ایران عملاً تا سال ۱۳۳۶ش ادامه داشت، اما فعالیت‌های آن به تدریج در ساختارهای دیگر ادغام یا جایگزین شد. بعد از اتفاقات ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ش (۱۹۵۳م) و پس از بازگشت محمدرضا شاه به قدرت، تمرکز آمریکا از کمک‌های فنی (مثل اصل چهارم) به کمک‌های نظامی و اقتصادی مستقیم تغییر یافت. این موضوع باعث کم‌رنگ شدن نقش اصل چهارم شد. در سال ۱۳۳۴، دفتر اصل چهارم آمریکا در تهران بسته شد یا نقش آن بسیار کاهش یافت و در قالب همکاری‌های توسعه‌ای دیگر ادامه یافت. تا سال ۱۳۳۴، بسیاری از پروژه‌های اصل چهارم به سازمان برنامه ایران و نهادهای تازه تأسیس دولتی سپرده شدند. آقای گریگوری

در پایان فعالیت این اصل، اموال اصل چهارم را به دولت ایران انتقال داد. همچنین آمریکا کمک‌های خود را از طریق نهادهای تازه‌تری مانند آژانس توسعه بین‌المللی آمریکا<sup>۱</sup> (USAID) ادامه داد این سازمان تا سال ۱۳۴۶ش در ایران فعال بود. کمک‌های فنی که کم هزینه‌ترین نوع برنامه کمک خارجی به شمار می‌آمدند و به ظاهر عامل انتقال دانش و مهارت فنی بودند، پایه اصلی برنامه‌های مشهور کمک خارجی آمریکا در سال‌های پس از جنگ در کشورهای غیر کمونیست گردید.

## ۸. تجزیه و تحلیل یافته‌ها

تحلیل اسناد و گزارش‌های مربوط به اصل چهارم ترومن و برنامه‌های عمرانی اول و دوم، الگوهای تأثیرگذاری پیچیده‌ای را آشکار می‌سازد که می‌توان آن‌ها را در دو سطح مجزا اما مرتبط سخت‌افزاری (زیرساختی) و نرم‌افزاری (نهادی-فکری) طبقه‌بندی و واکاوی کرد: ۱. سطح سخت‌افزاری (دستاوردهای محدود و وابستگی فنی): در سطح سخت‌افزاری، کمک‌های اصل چهارم به اجرای پروژه‌های مشخصی در حوزه‌های بهداشت، کشاورزی و عمران منطقه‌ای منجر شد. برجسته‌ترین نمونه‌ها در اسناد شامل برنامه مبارزه با مالاریا از طریق سم‌پاشی گسترده با DDT (یک حشره‌کش مصنوعی بسیار قوی در آن زمان و یکی از مشهورترین و در عین حال جنجالی‌ترین مواد شیمیایی) بود که به کاهش چشمگیر آمار ابتلا در مناطق شمالی و جنوبی ایران انجامید. در حوزه کشاورزی، معرفی بذرها اصلاح‌شده گندم در مزارع نمونه (مانند دشت ورامین)، حفر چاه‌های عمیق و ترویج روش‌های نوین دفع آفات از جمله فعالیت‌های ثبت‌شده در گزارش‌های هیئت عملیات فنی آمریکا در ایران است. در حوزه عمران نیز بخش کوچکی از بودجه صرف ساخت راه‌های روستایی و پروژه‌های کوچک آب‌رسانی شد. با وجود این موفقیت‌های نقطه‌ای، تحلیل انتقادی نشان می‌دهد که این پروژه‌ها از دو ضعف اساسی رنج می‌بردند: اولاً، مقیاس آن‌ها محدود و فاقد پیوستگی برای ایجاد یک تحول ملی بود. ثانیاً، این طرح‌ها وابستگی فنی ایجاد کردند؛ تجهیزات، کارشناسان و حتی روش‌های اجرایی کاملاً

<sup>۱</sup> -United States Agency for International Development

## == تاثیر اقدامات اصل چهارم ترومن بر برنامه های اول و دوم عمرانی ایران..... ۳۴۱

وارداتی بودند و پس از پایان پروژه، استمرار آن‌ها با چالش مواجه می‌شد. همچنین انتقاداتی در مورد برخی از اقدامات سطحی بخصوص در حوزه دامداری و اصلاح نژادی و سطح اقدامات در روستاها وجود دارد. ۲. سطح نرم‌افزاری ( ساختار مدیریت و برنامه‌ریزی): تأثیرات عمیق‌تر و پایدارتر اصل چهارم در سطح نرم‌افزاری رخ داد؛ جایی که هدف، تغییر «روش فکر کردن» و «نحوه مدیریت» در بدنه بوروکراسی ایران بود. مستندات نشان می‌دهد ده‌ها کارشناس و مدیر جوان ایرانی از سوی سازمان برنامه برای گذراندن دوره‌های کوتاه‌مدت مدیریت و اقتصاد توسعه به دانشگاه آمریکایی بیروت و دانشگاه‌های ایالات متحده اعزام شدند. برنامه اصل چهارم رئیس جمهور هری ترومن، فرصت‌های جدیدی را برای گسترش دسترسی جهانی دانشگاه‌های آمریکایی در دهه ۱۹۵۰ فراهم کرد. اصل چهارم به کشورهایی که توسط کمونیسم بین‌المللی تهدید می‌شدند، کمک فنی ارائه می‌داد؛ هدف، افزایش استانداردهای زندگی و نشان دادن برتری استراتژی‌های توسعه آمریکا نسبت به اتحاد جماهیر شوروی بود. بیش از هشتاد دانشگاه از قراردادهای توسعه اصل چهارم در سی و پنج کشور حمایت کردند. بطوریکه سه دانشگاه تحقیقاتی بزرگ یوتا ( دانشگاه بریگام یانگ، دانشگاه ایالتی یوتا و دانشگاه یوتا ) همگی در طرح‌های توسعه روستایی برنامه «اصل چهارم» در ایران، کشوری که در آن زمان به عنوان متحد کلیدی ایالات متحده در جنگ سرد ظهور می‌کرد، مشارکت داشتند. کارشناسان اعزامی ایران، پس از بازگشت از دوره‌های آموزشی و تخصصی، هسته اصلی تکنوکرات‌های برنامه‌های بعدی را تشکیل دادند. علاوه بر این، استقرار مشاوران شرکت‌هایی نظیر مشاوران ماوراء بحار در سازمان برنامه، باعث ترویج نظام بودجه‌ریزی مبتنی بر پروژه و روش‌های ارزیابی فنی-اقتصادی غربی شد. این بعد نرم‌افزاری، یک طبقه نخبگان تکنوکرات ایجاد کرد.

این دو سطح از یافته‌ها، تضاد ذاتی میان نظریه‌های نوسازی و وابستگی را به خوبی روشن می‌سازد. از منظر نوسازی، اقدامات اصل چهارم مصداق بارز انتقال سرمایه و دانش برای عبور از موانع توسعه بود. اما از منظر وابستگی، همین اقدامات ابزاری برای ادغام ایران در نظام سرمایه‌داری جهانی به عنوان یک بازیگر پیرامونی و تثبیت ساختار وابستگی بود. در جمع‌بندی نهایی، مقایسه این دو سطح نشان می‌دهد که اثرات نرم‌افزاری اصل چهارم به مراتب پایدارتر و تأثیرگذارتر از دستاوردهای سخت‌افزاری آن بوده‌اند. یک درمانگاه یا یک پروژه کشاورزی ممکن بود پس از چند سال متوقف شود، اما یک مدیر آموزش‌دیده با تفکر توسعه و یک

ساختار اداری منسجم، برای دهه‌ها در سیستم تصمیم‌گیری کشور باقی ماند. بنابراین، میراث اصلی اصل چهارم، نه در سیمان و آهن (سخت افزار)، بلکه در ذهنیت و ساختار مدیریتی (نرم افزار) بود که از خود به جای گذاشت.

## ۹- بحث و نتیجه‌گیری

سازمان اصل چهارم در بنبوحه کارزار ملی شدن صنعت نفت، و دو سال بعد از تصویب قانون برنامه اول عمرانی طی توافقنامه‌ای در ایران تشکیل شد. بصورتیکه چند ماه بعد از امضا توافقنامه در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ش صنعت نفت در ایران ملی اعلام شد و باعث پیچیدگی‌های خاصی گردید. فعالیت این اصل در ۴ بخش اصلی ترویج کشاورزی، بهداشت عمومی، آموزش و پرورش، و نوسازی نهادهای اجتماعی بود. برنامه‌های توسعه عمرانی در ایران، به‌ویژه برنامه‌های اول (۱۳۲۸-۱۳۳۴) و دوم (۱۳۳۵-۱۳۴۱)، در بستر تحولات سیاسی و اقتصادی پس از جنگ جهانی دوم و در چارچوب رقابت‌های ژئوپلیتیک دوران جنگ سرد شکل گرفتند. اصل چهارم ترومن (۱۹۴۹) به‌عنوان بخشی از سیاست خارجی آمریکا برای مقابله با نفوذ کمونیسم، از طریق کمک‌های فنی و اقتصادی به کشورهای در حال توسعه، از جمله ایران، اجرا شد. اگرچه کمک‌های اصل چهارم از نظر حجم مالی محدود بود (تنها حدود ۲۳ میلیون دلار در بازه ۱۳۲۹-۱۳۳۴)، اما از طریق انتقال دانش فنی، آموزش نیروی انسانی و تقویت نهادهای برنامه‌ریزی، نقش تسهیل‌گری مهمی در اجرای برنامه اول و دوم عمرانی ایفا نمود. به‌ویژه، همکاری مشاوران آمریکایی در حوزه‌های کشاورزی، بهداشت و آموزش، برخی از پروژه‌های برنامه اول را عملیاتی ساخت.

یافته‌های این پژوهش نشان داد که تحلیل جامع اصل چهارم در ایران، نه در پذیرش مطلق نظریه نوسازی و نه در طرد کامل آن به نفع نظریه وابستگی، بلکه در درک رابطه دیالکتیکی میان این دو پارادایم نهفته است. شواهد تاریخی و اسنادی مؤید آن است که اصل چهارم دقیقاً در نقطه تلاقی این دو منطوق عمل می‌کرد. از یک سو، این برنامه با بهره‌گیری از گفت‌وگو و مسلمان‌سازی، مشروعیت فنی و انسانی لازم برای ورود به حساس‌ترین لایه‌های حاکمیتی ایران، به‌ویژه سازمان برنامه، را کسب نمود. اصل چهارم با ارائه تخصص، آموزش و راه‌حل‌های ملموس برای

## == تاثیر اقدامات اصل چهارم ترومن بر برنامه های اول و دوم عمرانی ایران..... ۳۴۳

معضلاتی چون بهداشت و کشاورزی، توانست با نخبگان تکنوکرات ایرانی که خود عمیقاً به ایدئولوژی توسعه باور داشتند، یک ائتلاف کارآمد و مؤثر ایجاد کند. این وجه از برنامه، جنبه‌های اعلامی و فنی آن را نمایندگی می‌کرد. از سوی دیگر، تحلیل عمیق‌تر نشان می‌دهد که همین ابزارها و پروژه‌های به ظاهر توسعه‌بخش، در خدمت اهداف کلان ژئوپلیتیکی قرار گرفتند که پارادایم وابستگی به بهترین شکل آن را تبیین می‌کند.

با این حال، تأثیر این کمک‌ها را باید در چارچوب دو عامل کلیدی تحلیل کرد:

۱. **وابستگی به کمک‌های خارجی:** برنامه اول عمرانی اساساً با اتکا به وام بانک جهانی (۲۵۰ میلیون دلار) طراحی شد و سهم اصل چهارم در تأمین مالی آن ناچیز بود.

۱.۲ **اهداف ژئوپلیتیک:** کمک‌های اصل چهارم بیش از آنکه بر توسعه پایدار ایران متمرکز باشد، ابزاری برای مهار نفوذ شوروی و تثبیت جایگاه آمریکا در منطقه بود.

برنامه اول عمرانی (۱۳۲۸-۱۳۳۴) با هدف بهبود زیرساخت‌های کشاورزی، بهداشت و آموزش طراحی شد، که با اهداف اصل چهارم ترومن (توسعه روستایی، مبارزه با بیماری‌ها و آموزش نیروی انسانی) همخوانی داشت. کمک‌های فنی اصل چهارم در حوزه‌هایی مانند بهداشت (مبارزه با مالاریا و سل) و کشاورزی (توزیع بذر و کود) مستقیماً در اجرای برنامه اول تأثیرگذار بود. حضور مشاوران آمریکایی (مانند گروه‌های دانشگاه هاروارد) در تدوین برنامه‌های عمرانی، نشان‌دهنده نقش غیرمستقیم اصل چهارم در بهبود ساختار برنامه‌ریزی ایران بود.

کمک‌های مالی اصل چهارم (حدود ۲۳ میلیون دلار در ۱۹۵۰-۱۹۵۴) در مقایسه با نیازهای برنامه اول (۲۵۰ میلیون دلار درخواستی از بانک جهانی) ناچیز بود. تمرکز اصل چهارم بر پروژه‌های کوتاه‌مدت و فنی، باعث شد تأثیر آن بر برنامه‌های کلان توسعه‌ای ایران محدود بماند. برخی پروژه‌های اصل چهارم (مانند آموزش کشاورزان) به دلیل عدم تطابق با شرایط محلی، نتایج ملموسی نداشتند.

کمک‌های آمریکا به ایران در قالب اصل چهارم، بیش از آنکه صرفاً اقتصادی باشد، ابزاری جلوگیری از گسترش کمونیسم بود. پس از وقایع ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، کمک‌های آمریکا از حالت فنی (اصل چهارم) به کمک‌های نظامی و اقتصادی مستقیم تغییر کرد، که نشان‌دهنده اولویت‌های جدید سیاست خارجی آمریکا در ایران بود. اصل چهارم ترومن اگرچه به صورت مستقیم منابع مالی قابل توجهی به برنامه‌های اول و دوم عمرانی ایران تزریق نکرد، اما از طریق انتقال دانش

فنی، آموزش نیروی انسانی و بهبود زیرساخت‌های بهداشتی و کشاورزی، بسترهای لازم برای اجرای این برنامه‌ها را فراهم کرد. با این حال، ماهیت سیاسی این کمک‌ها و محدودیت‌های مالی آن، باعث شد تأثیر آن بر توسعه بلندمدت ایران نسبی باشد. برنامه دوم عمرانی (۱۳۳۵-۱۳۴۱) که پس از افول اصل چهارم طراحی شد، بیشتر متکی بر درآمدهای نفتی و کمک‌های مستقیم آمریکا بود و نشان داد که ایران به تدریج از مدل توسعه مبتنی بر کمک‌های فنی به سمت توسعه مبتنی بر درآمدهای ملی حرکت کرده است. در مجموع، تأثیر اصل چهارم ترومن بر برنامه‌های توسعه ایران را می‌توان در قالب یک تأثیر نرم‌افزاری (انتقال دانش، ایجاد نهادهای برنامه‌ریزی و آموزش نیروی انسانی) تفسیر کرد، نه یک تغییر سخت‌افزاری (تزریق سرمایه یا تحول ساختاری).

## منابع

- ابتهاج، ابوالحسن (۱۳۷۱). **خاطرات ابوالحسن ابتهاج**. چاپ اول، نشر علمی، تهران.
- بانک ملی (۱۳۲۷). **مجله بانک ملی، نشریه ادواری**، انتشارات بانک ملی، شماره ۹۶.
- حیدری، سلیمان و بینشی فر، فاطمه. (۱۳۹۶). بررسی نقش اصل ۴ ترومن در آموزش و پرورش عشایری فارس. **تاریخ اسلام و ایران**، ۲۷(۳۵)، ۳۵-۵۵.
- دانایی فرد، حسن؛ الوانی، سیدمهدی؛ آذر، عادل (۱۳۸۳). **روش شناسی پژوهش کیفی در مدیریت، رویکردی جامع**، تهران، انتشارات صفار، اشراقی.
- رفیعی راد، علی احمد و محمدی، احمد. (۱۳۹۶). مکتب نوسازی متقدم و ریشه های تاریخی بحران منابع آب های زیرزمینی در ایران: بررسی تأثیر و عملکرد اصل چهار ترومن. **فصلنامه علوم اجتماعی**، ۲۴(۷۷)، ۱۹۵-۲۴۳.
- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۴۳). **گزارش اجرای برنامه هفت ساله دوم**، تهران، سازمان برنامه و بودجه.
- سالمی قمصری، مرتضی، یزدانی، سهراب، فرهادی، مرتضی و مومنی، فرشاد. (۱۳۹۹). اصل چهار ترومن و امکان توسعه در ایران. **برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی**. ۱۹۷-۱۶۱، (۴۳)۱۱.
- قانون برنامه عمرانی اول کشور (۱۳۲۷).
- قانون برنامه عمرانی دوم کشور (۱۳۳۴)
- کشتی آراء، کیمیا و جعفری، علی اکبر و نورائی، مرتضی. (۱۴۰۲). خوانشی نواز سیر تاریخی روند مبارزه با مالاریا در قالب برنامه های توسعه (۱۳۲۷-۱۳۵۶ش). **نشریه پژوهش های تاریخی ایران و اسلام**. ۱۷(۳۲)، ۳۲۴-۳۵۲.
- گزارش مقدماتی برنامه هفت ساله عمرانی اول (۱۳۲۶).
- گزارش نهایی شرکت مشاور موریسن (۱۳۲۶).
- گزارش نهایی شرکت مشاورن ماوراء بحار (۱۳۲۸).
- مشرف نفیسی، حسن (۱۳۴۱). **سالنامه دنیا**، شماره ۱۸، چاپ کیهان، تهران.
- مک لئود، تاس اچ (۱۳۷۹). **برنامه ریزی در ایران**، ترجمه علی اعظم، تهران، نشر نی.
- مهام، محمود. (۱۳۹۷). اصل چهار و تغییر اجتماعی در ایران (معرفی و نقد کتاب «بررسی اهداف و عملکرد اصل چهار ترومن»). **پژوهش های روستائی**، ۹(۱)، ۱۴۸-۱۵۸.
- نام برادرشاد، فرهاد، سادات، محمود، سراج، محسن و بصیرت منش، حمید. (۱۴۰۲). برنامه های عمرانی بنیاد خاور نزدیک در ایران دوره محمدرضا پهلوی. **تحقیقات اسنادی انقلاب اسلامی**،

۲۰۸-۱۶۸، (۱۰)۵.

- نیلی، مسعود؛ کریمی، محسن (۱۳۹۶). برنامه‌ریزی در ایران ۱۳۱۶-۱۳۵۶: تحلیلی تاریخی با تمرکز بر تحولات، نقش و جایگاه سازمان برنامه‌بودجه. چاپ دوم، نشر نی، تهران.
- همراز، ویدا. (۱۳۸۱). بررسی اهداف و عملکرد اصل چهار ترومن: هیئت عملیات اقتصادی آمریکا در ایران، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

Cronin, S. (Ed.). (۲۰۱۲). *Making of Modern Iran: State and Society under Riza Shah and Mohammad Riza Shah*. Routledge.

Goode, J. F. (۲۰۱۴). *American Power and the Reconstruction of Iran: The Point Four Program, ۱۹۵۰-۱۹۶۲*. I.B. Tauris.

Lentz, C. C. (۲۰۱۱). Development as a Weapon: The Point Four Program and "Community Development" in Rural Iran, ۱۹۵۰-۱۹۶۲. *Comparative Studies in Society and History*, ۵۳(۳), ۶۴۴-۶۷۴.